

رابطه مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی با باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه

حسین جمشیدیان^۱
مرضیه ملکیها^۲
دکتر گل پرور^۳
دکتر عربضی^۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی با ابعاد باورهای دنیای عادلانه (برای خود، برای دیگران، به صورت عمومی و دنیای نا عادلانه) بوده است. گروه نمونه، یک گروه ۳۷۴ نفری (اعم از دختر و پسر) از دانشجویان دانشگاههای آزاد خوراسگان و نجف آباد بوده است. برای دستیابی به نمونه پژوهش از روش نمونه گیری طبقه ای در گام اول و از روش نمونه گیری خوشه ای در گام دوم استفاده شده است. به منظور بررسی مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی از پرسشنامه ۱۱ سوالی کیت کالین (۲۰۰۶) و برای بررسی باورهای دنیای عادلانه از ۴ پرسشنامه در مورد باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه استفاده شده است. روایی و پایایی این پرسشنامه ها بررسی و نتایج مطلوبی از آن بدست آمد. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین مسئولیت پذیری اخلاقی مبتنی بر تعهد و پیمان با باورهای دنیای عادلانه برای خود ($p < 0/05$) و مسئولیت پذیری اخلاقی کلی و اعتقاد به دنیای عادلانه برای دیگران ($p < 0/01$) رابطه معنی داری وجود دارد. بخش دیگر نتایج بدست آمده بر اساس تحلیل رگرسیون نشان داد که تنها اعتقاد به دنیای عادلانه برای دیگران قادر به پیش بینی مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر تعهد و پیمان و مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی بوده است.

واژه های کلیدی: مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی، اعتقاد به دنیای عادلانه برای خود، اعتقاد به دنیای عادلانه برای دیگران، اعتقاد به دنیای عادلانه به صورت عمومی و اعتقاد به دنیای نا عادلانه، دانشجویان دانشگاه.

۱. دانشجوی دکتری، روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، نویسنده ی مسئول، ho.jamshidian@gmail.com

۲. استادیار، گروه مشاوره، موسسه آموزش عالی المهدی مهر اصفهان

۳. دانشیار گروه روانشناسی صنعتی و سازمانی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۴. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

ما در عصری زندگی می‌کنیم که تنظیم روابط اجتماعی براساس اصول اخلاقی اهمیتی فوق‌العاده پیدا کرده است. زندگی، آسایش و حرمت شخصی هر یک از ما، بیش از پیش، در گرو آن قرار دارد که اصول اخلاقی تا چه حد به طور عمومی مورد رعایت قرار می‌گیرند. در بسیاری از عرصه‌های نوین کار و زندگی اگر انسان‌ها نخواهند به احکام اخلاقی وفادار بمانند هیچ نیرویی برای بازداري آنها از تجاوز به حقوق یکدیگر وجود ندارد. از چنین منطری اخلاق به معنی تمیز، سنجش یا گزینش طرز رفتار و برخورد با امور بر مبنای حقانیت یا نادرستی احتمالی آنها است. بنابراین نگرش و تاملی اخلاقی است که به یافتن راه حل و طرز برخوردی عادلانه با مسائل و مشکلات منجر شود. چرا که در مواجهه با مشکلات ما می‌توانیم راه‌هایی را بر گزینیم که درست ولی غیر اخلاقی باشند، یعنی در حل مشکل فقط به خلاصی یافتن هر چه سریع‌تر و موثرتر از آن بیاندیشیم. نگرش و تامل اخلاقی در مورد بر حق یا نادرست بودن یک چنین انتخابی معیارهایی دارد و بدیهی است که در مورد حقانیت یا نادرستی امور باید معیاری کلی وجود داشته باشد.

در راستای مفهوم رشد اخلاق جهان شمول می‌توان مدل شش مرحله‌ای کلبرگ را مطرح کرد. که هرکدام از آنها از لحاظ کیفی نشانگر حالتی بسیار پیچیده تراز تفکر اخلاقی نسبت به مراحل قبلی است. این شش مرحله مشخص‌کننده روش تفکر هر شخص در مورد مسائل اخلاقی است. همانطوری که برخی محققان اشاره کرده‌اند، نظریه کلبرگ^۱ در مورد رشد اخلاقی یک تئوری جهانی در مورد عدالت است. این در حالی است که می‌توان باورهای معطوف به عدالت نظیر باورهای دنیای عادلانه یا پنداشت از عدالت را به عنوان اجزا یا رشته‌هایی در درون این نظریه جهانی استدلال اخلاقی در نظر گرفت (املر^۲، ۱۹۹۱). مسائل و دغدغه‌های دیگر نیز همچون عدالت رویه‌ای و توزیعی می‌توانند با این تئوری جهانی استدلال اخلاقی مربوط باشند (میلر و برسوف^۳، ۱۹۹۲). باورها نقش مهمی در زندگی هر فردی ایفا می‌کند و تفاوت انسانها غالباً در تفاوت باورهای آنهاست (پاپ^۴، ۲۰۱۱).

مبنای فرضیه یا نظریه دنیای عادلانه از سوی لرنر و میلر^۵ (۱۹۷۸) این‌گونه خلاصه شده است: افراد نیاز دارند به این که باور نمایند در دنیایی زندگی می‌کنند که در آن افراد نوعاً به آنچه استحقاقش را دارند دست پیدا می‌کنند. این باور که دنیا عادلانه است افراد را قادر به مواجهه با محیط فیزیکی و اجتماعی‌اش می‌نماید به گونه‌ای که گویی این محیطها ثابت و منظم هستند. بدون داشتن این باور، افراد نمی‌توانند به سهولت خود را نسبت به دنبال کردن اهداف بلند مدت یا حتی رفتارهای تنظیم شده اجتماعی‌شان در زندگی روزمره متعهد سازند. از آنجایی که باور به اینکه دنیا عادلانه است از یک چنین کارکرد مهم سازشی برای افراد برخوردار است افراد برای دست کشیدن از این باورها اگر راه زیادی از خود نشان می‌دهند و احتمالاً چنانچه با شواهدی رو به رو شوند که نشان دهد دنیا در واقع عادلانه نبوده یا از روی نظم و ترتیب عمل نمی‌کند دچار برآشفتگی بسیار می‌شوند. بنابراین، ظاهراً باورهای دنیای عادلانه نوعی محافظت روانشناختی را در مقابله با واقعیات خشن دنیا و نیز حس کنترل داشتن بر سر نوشت خود را فراهم می‌سازد (فرنهام^۶، ۲۰۰۳). همچنین لایپ کوس، دالبرت و زیگلر

1. Kohlberg
2. Emler
3. Miller & Bersoff
4. Pope
5. Lerner & Miller
6. Furnham

۱) (۱۹۹۶) نشان داده اند که باورهای دنیای عادلانه می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی و سلامت روان بسته به پنج عامل بزرگ شخصیت باشند.

چنانکه گفته شد باورهای دنیای عادلانه، مجموعه باورهای کلی افراد در باب عادلانه بودن شرایط دنیا برای زندگی است. این باورها در بسیاری شرایط می‌توانند ماهیت هدایت‌کننده داشته و اغلب آنچه‌ان نیرومند است که افراد را از بعد رفتاری و روانی تحت تاثیر قرار می‌دهد. یعنی گاهی اوقات نگرش یا باور افراد را نسبت به بی‌عدالتی‌ها به نوعی توجیه می‌کند و گاهی نیز می‌تواند جنبه انگیزشی و هدایتی داشته و نتایج مطلوبی را برای فرد به دنبال می‌آورد. ولی از جهات دیگر یافته‌های پژوهشی و نظریه پردازان را در صورت گرفته مشخص نموده اند که شکل‌گیری این باورها متأثر از کدام مضامین رشدی و تحولی است. برای نمونه اپنهايمر^۲ (۲۰۰۵) با مروری بر تحقیقات صورت گرفته بر این باور است که محتوای باور به دنیای عادلانه بیشتر درون مایه ای مبتنی بر عدالت غایی و غایت‌گرایانه دارد و به این لحاظ حداکثر با مراحل رشد پایین و متوسط از دیدگاه کلبِرگ و پیاژه همسویی دارد. براساس این یافته‌ها اظهار می‌دارد که باید بین استدلال مبتنی بر عدالت غایی، به عنوان بعدی محوری از باورهای دنیای عادلانه و رشد اخلاقی رابطه معکوس وجود داشته باشد. فرنهام^۳ (۲۰۰۳) و اپنهايمر^۴ (۲۰۰۵) تاکید کرده اند که باورهای دنیای عادلانه شامل یک سازوکار مقابله‌ای با مواجه شدن با دنیای بی‌ثبات است و نه پیش‌زمینه‌ای برای رشد اخلاقی. ولی محققان دیگری چون دالبِرت^۱ (۲۰۰۱) معتقدند باورهای دنیای عادلانه مشتمل بر فهم عدالت است و پیش‌زمینه‌ای برای استدلال اخلاقی سطح بالاتر بوده و دارای تلویحاتی برای رفتار به شیوه‌ای عادلانه نیز میباشد. در چنین صورتی پس باورهای دنیای عادلانه باید با رشد سطوح اخلاقی بالاتر استدلال اخلاقی مرتبط باشد. برای نمونه وقتی سطوح بالاتر استدلال اخلاقی نمایان می‌شود (مثل ویژگی‌های مراحل ۶ و ۷ کلبِرگ)، اشکال پایین‌تر استدلال اخلاقی از قبیل استدلال مبتنی بر علیت غایی باید قوت خود را از دست بدهند. استدلال اخلاقی مراحل ۶ و ۷ از طریق اصول و ارزشهایی که برای ایجاد جامعه‌ای مطلوب یا سرشار از عدالت الزامی است (کلبی و کلبِرگ، ۱۹۸۷) هدایت می‌شوند.

در سطوح فرا قرار دادی و قرار دادی (سطح دوم و سوم)، داوریهای مستقل درباره عدالت نمایان می‌شود و مردم عدالت را به عنوان امری که بر پایه مصالحه و سازش و یا توافق شکل می‌گیرد می‌نگرند. البته در مرحله ۶، داوریه‌ها در باب خوب و بد بر مبنای دیدگاههای اخلاقی خود پذیرفته شده صورت می‌گیرد. این ناهم‌سویی محققان پژوهش حاضر را بر آن داشته است تا باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران را با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی تحت بررسی قرار دهند. این بررسی علاوه بر آنچه که تا به اینجا گفته شد دارای مبانی نظری زیر نیز می‌باشد (مک ایون و اسکولاستیک^۲، ۲۰۱۲). می‌توان گفت باور به دنیای عادلانه برحسب نظریه دنیای عادلانه یک سکه دورو است، یعنی در مواقعی که امکان پذیر است افراد بی‌عدالتی به وقوع پیوسته، برای افراد قربانی بی‌عدالتی را از طریق یاری‌رسانی فعال به آنها رفع می‌نماید اما در مواقعی که یاری‌رسانی فعال مقدور نیست، افراد ممکن است راهبردهای شناختی دیگری مثل سرزنش یا بی‌ارزش‌سازی قربانیان برای کاهش رنج ناشی از بی‌عدالتی آشکاری که شاهد آن هستند، را در پیش بگیرند. در عین حال ممکن است در باور به دنیای

-
1. Dolbert & Zigler
 2. Oppenheimer
 3. McIlveen & Schutheiss

عادلان، استدلال‌های شناختی و اخلاقی با یکدیگر وارد عرصه اثر گذاری شوند (ساویکس، ۲۰۱۰). بنابراین در تحقیق حاضر بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با باورهای دنیای عادلانه برای خود، دیگران، باورهای دنیای عادلانه عمومی و دنیای ناعادلانه به صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته تا بخشی از خلاء دانش موجود در این زمینه برطرف گردد.

روش پژوهش

متغیرهای اصلی این تحقیق مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی (متغیر ملاک) و باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه (متغیر مستقل) است که امکان دستکاری و یا تغییر آنها وجود نداشته و از قبل به وقوع پیوسته است. بنابراین به منظور بررسی رابطه آنها از روش همبستگی استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان (دختر و پسر و زن و مرد) تمام رشته‌های فنی و غیر فنی دانشگاه‌های آزاد اسلامی خوراسگان و دانشگاه آزاد نجف آباد در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تشکیل داده‌اند. دانشجویان دانشگاه آزاد خوراسگان حدود ۱۰۰۷۴ نفر و نسبت دانشجویان دختر به پسر ۲ به ۱ است. دانشجویان دانشگاه نجف آباد نیز ۱۸۱۴۴ نفر را تشکیل داده‌اند و نسبت دانشجویان پسر به دختر ۲ به ۱ است. در مجموع کل جامعه آماری پژوهش حاضر را حدود ۲۸۰۰۰ دانشجوی دختر و پسر تشکیل داده‌اند.

نمونه و روش نمونه‌گیری

برای دستیابی به نمونه با توجه به اینکه دانشگاه نجف آباد، حدود ۲ برابر دانشگاه خوراسگان دانشجوی داشت، نسبت ۲ به یک برای دانشگاه نجف آباد و برای دانشگاه آزاد خوراسگان در نظر گرفته شد. در گام اول از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و در گام دوم از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده بعمل آمد. نمونه‌گیری انجام شده به این شکل بوده که در هر دانشگاه، ابتدا از رشته‌های فنی، علوم انسانی و علوم پزشکی دو کلاس انتخاب شده است. سپس هر کلاس بعنوان یک خوشه در نظر گرفته شده و متناسب با نسبت دختران و پسران (در دانشگاه نجف آباد دو پسر و یک دختر و در دانشگاه خوراسگان یک پسر و دو دختر) برای نمونه‌گیری انتخاب شدند.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات

الف) پرسشنامه‌های باورهای دنیای عادلانه: برای سنجش باورهای دنیای عادلانه از چهار پرسشنامه استفاده بعمل آمده است. باورهای دنیای عادلانه برای خود، دارای هشت سوال، باورهای دنیای عادلانه برای دیگران ۸ سوال، پرسشنامه دنیای عادلانه به صورت عمومی ۷ سوال و پرسشنامه دنیای ناعادلانه دارای ۴ سوال میباشد و برای اولین بار در ایران توسط گل پرور و عریضی (۱۳۸۶) و گل پرور و سجادیان (۱۳۸۶) ترجمه، آماده اجرا و اعتباریابی شده است. مقیاس پاسخگویی آن پنج درجه‌ای و به صورت کاملاً مخالفم=۱، مخالفم=۲، نه موافقم نه مخالفم=۳، موافقم=۴ و کاملاً موافقم=۵ می‌باشد. تحلیل‌های عاملی (گل پرور و عریضی، ۱۳۸۶) روایی سازه پرسشنامه‌های فوق را تأیید نموده است.

شواهد پایایی پرسشنامه‌های باورهای دنیای عادلانه برحسب آلفای کرونباخ و ضرایب تصنیف در جدول (۱) ملاحظه می‌شود.

جدول (۱) ضرایب پایایی پرسشنامه های باورهای دنیای عادلانه

ردیف	پایایی	مردان	زنان
۱	باورهای دنیای عادلانه	آلفای کرونباخ اسپیرمن- براون ۰/۷۰۲	آلفای کرونباخ اسپیرمن- براون ۰/۷۰۵
۲	باورهای دنیای عادلانه برای دیگران	آلفای کرونباخ اسپیرمن- براون ۰/۷۲۹	آلفای کرونباخ اسپیرمن- براون ۰/۶۶۴
۳	باورهای دنیای عادلانه عمومی	آلفای کرونباخ اسپیرمن- براون ۰/۶۲۸	آلفای کرونباخ اسپیرمن- براون ۰/۶۶۰
۴	باورهای دنیای ناعادلانه	آلفای کرونباخ اسپیرمن- براون ۰/۵۱۹	آلفای کرونباخ اسپیرمن- براون ۰/۴۵۵

ب- پرسشنامه مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی: پرسشنامه مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی توسط کیت کالین^۱ ساخته شده است. این پرسشنامه، مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی را بر مبنای رشد یافتگی اخلاقی مورد سنجش قرار می دهد. ویژگی این پرسشنامه این است که از میزان سوگیری های فردی مربوط به تفسیر سوالات پاسخ دهندگان به پرسشنامه قضاوت اخلاقی کلبرگ، از طریق این پرسشنامه تا حدود زیادی کاسته شده است.

نمرات پرسشنامه، مقیاسی در اختیار ما قرار می دهند که با استفاده از این مقیاس می توان به ردپای از رشد و پیشرفت تعقل در مورد مسائل اخلاقی و اجتماعی، از کودکی تا بزرگسالی دست یافت. تحقیق اولیه ای که در آن از این پرسشنامه استفاده شده است، توسط کلبرگ و در ایالات متحده ی امریکا اجرا شده است. پس از این محقق جان گیبز^۲، کارن بیسنگر و دیک فولر^۳ این تحقیق را ادامه دادند. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۱ سوال می باشد که هر سوال نیز دارای سوالات فرعی و زیر شاخه ای است که تعارض بین ۲ موضوع را نشان میدهد.

نمره گذاری هر سوال در دو سطح انجام می شود. سطح اول تعیین میزان اهمیت است که در آن آزمودنی از بین سه پاسخ مهم نیست، مهم است و خیلی مهم است یکی از گزینه ها را انتخاب می کند. در این مرحله به گزینه مهم نیست نمره ۱ صفر داده می شود و به گزینه مهم است نمره ۱ و به گزینه خیلی مهم است نمره ۲ داده می شود. اما در کنار آن برحسب دلیلی که فرد به میزان اهمیتی که به انتخاب آن گزینه خاص می دهد نیز در مرحله دوم به فردمجدداً نمره ای تعلق می گیرد. نحوه نمره گذاری این پرسشنامه تابع تعداد گزینه های انتخابی برای هر پرسش است. برای نمونه سوال اول در مرحله دوم دارای ۱۲ گزینه استدلالی است. بنابراین در این ۱۲ گزینه استدلالی هر گزینه نماینده سطحی از مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی است. انتخاب هر یک از این گزینه ها انعکاس رشد یافتگی اخلاقی فرد پاسخگو خواهد بود و از امتیازات ۱ (برای پایین ترین سطح) تا ۱۲ (برای بالاترین سطح) به آن تعلق می گیرد. طبعاً برای سوالاتی نظیر سوال ۲ که دارای ۱۵ گزینه استدلالی است، امتیازات از ۱ تا ۱۵ در نوسان است. این پرسشنامه برای اولین بار در ایران ترجمه و اجرا شده است. میزان اعتبار و پایایی این پرسشنامه توسط پژوهشگران این تحقیق محاسبه شده است که از اعتبار و پایایی مناسبی برخوردار می باشد که به شرح جدول (۲) در ادامه ارائه می گردد. لازم به ذکر است که بر روی این پرسشنامه تحلیل عوامل به شیوه مولفه های اصلی و با استفاده از چرخش متعامد واریماکس

1. Keith Collin
2. JohnGibbs
3. Karen Basinger and Dick

صورت گرفت که سه عامل به شرح جدول (۲) از آن استخراج گردید .

جدول (۲) ضرایب پایایی پرسشنامه مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی

ردیف	پایایی خرده مقیاس	مردان		زنان	
		آلفای کرونباخ اسپیرمن براون	گاتمن	آلفای کرونباخ اسپیرمن براون	گاتمن
۱	مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان	۰/۱۵۹	۰/۱۵۵	۰/۱۶۴	۰/۱۶۱
۲	مسئولیت پذیری اخلاقی در قبال دیگران	۰/۱۶۱	۰/۱۶۲	۰/۱۶۷	۰/۱۶۶
۳	مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال قوانین	۰/۱۵۲	۰/۱۴۸۵	۰/۱۶۱	۰/۱۵۴
۴	مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی	۰/۱۵۵۷	۰/۱۶۷۷	۰/۱۶۲۵	۰/۱۶۲۸

روش اجرا

پس از تعیین اهداف پژوهش و مرور پیشینه پژوهشی، ابتدا به ترجمه و آماده سازی ابزارهای پژوهش پرداخته شد. سپس با تعیین جامعه های آماری، تعداد ۳۷۴ نفر از دانشجویان مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه های آزاد اسلامی واحد خوراسگان و نجف آباد به صورت تصادفی خوشه ای در مرحله اول و طبقه ای در مرحله دوم انتخاب شدند و پرسشنامه مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی کیت کالین و پرسشنامه های باورهای دنیای عادلانه در اختیار شرکت کنندگان در تحقیق قرار داده شد. شیوه پاسخدهی به این پرسشنامه ها به صورت خودگزارش دهی است که افراد گروه نمونه در یک فاصله زمانی بین ۲۰-۲۵ دقیقه به تعداد ۲۷ سوال پرسشنامه باورهای دنیای عادلانه و ۱۱ سوال پرسشنامه اخلاقی و مسئولیت اجتماعی پاسخ دادند. در ادامه، پس از نمره گذاری، پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-۱۳ و بر حسب اهداف پژوهشی تحلیل شد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده به عمل آمد. در سطح توصیفی از جداول فراوانی، میانگین، انحراف معیار و واریانس در سطح استنباطی ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد.

یافته ها

فرضیه اول: بین رشد اخلاقی و باورهای دنیای عادلانه (برای خود، دیگران، به صورت عمومی و دنیای ناعادلانه) به صورت کلی رابطه وجود دارد. نتایج این رابطه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳) ضرایب همبستگی بین مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی و باورهای دنیای عادلانه در کل گروه نمونه

باورهای دنیای عادلانه خرد	دنیای عادلانه خود	دنیای عادلانه دیگران	دنیای عادلانه عمومی	دنیای ناعادلانه	مستولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان	مستولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال قوانین	مستولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی
۰/۱۱۶*	۰/۰۲۴	۰/۱۶۰*	۰/۰۰۲	۰/۱۱۱*	۰/۰۳۱	۰/۰۸۲	۰/۱۱۳
۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۵۶	۰/۲۷۶	۰/۰۰۱	۰/۹۷۹	۰/۰۶۱	۰/۲۳۵
۰/۰۷۵	۰/۱۴۵	۰/۱۳۲*	۰/۰۱	۰/۱۱۵*	۰/۰۲۶	۰/۰۶۶	۰/۱۹۷
۰/۱۳۸**	۰/۰۰۷	۰/۱۵۸**	۰/۰۰۲	۰/۰۹۲	۰/۰۷۴	۰/۰۹۹	۰/۰۵۳

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

چنانکه در جدول ۳ دیده می‌شود، برای کل گروه نمونه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان با باورهای دنیای عادلانه برای خود ($r = 0.116, P > 0.05$)، با باورهای دنیای عادلانه برای دیگران ($r = 0.160, P > 0.01$) و با باورهای دنیای عادلانه عمومی ($r = 0.111, P > 0.05$) دارای رابطه مثبت و معنادار ولی با باورهای دنیای ناعادلانه دارای رابطه معناداری نیست ($P < 0.05$). مسئولیت‌پذیری اخلاقی در قبال دیگران با هیچ یک از ابعاد باورهای دنیای عادلانه دارای رابطه معناداری نیست ($P > 0.05$). مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال قوانین با باورهای دنیای عادلانه برای دیگران ($r = 0.132, P > 0.01$) و با باورهای دنیای عادلانه عمومی ($r = 0.115, P > 0.05$) دارای رابطه مثبت و معنادار ولی با باورهای دنیای عادلانه برای خود و باورهای دنیای ناعادلانه دارای رابطه معناداری ($P < 0.05$) نیست. مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی نیز صرفاً با باورهای دنیای عادلانه برای خود ($r = 0.138, P > 0.01$) و با باورهای دنیای عادلانه برای دیگران ($r = 0.158, P > 0.01$) دارای رابطه مثبت و معنادار ولی با باورهای دنیای عادلانه عمومی و باورهای دنیای ناعادلانه دارای رابطه معناداری ($P < 0.05$) نیست.

در ادامه، یافته‌های مربوط به تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی ابعاد مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی از طریق باورهای دنیای عادلانه ارائه می‌شود.

جدول (۴) ضریب همبستگی چندگانه بین مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان و باورهای دنیای عادلانه

ردیف	شاخص‌های آماری الگو	ضریب F	مستولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی	ضریب همبستگی چندگانه	مجدور همبستگی چندگانه	مجدور همبستگی تعدیلی	خطای استاندارد برآورد
۱	همزمان	۲/۷۲۸	۰/۰۲۹	۰/۱۶۹	۰/۰۲۸	۰/۰۱۸	۱۸/۷۴۲

چنانکه در جدول (۴) دیده می‌شود، حداقل یکی از ابعاد باورهای دنیای عادلانه قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان ($F = 2.728$ و $P > 0.05$) است. ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۱۶۹ بوده است و واریانس تبیین شده مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان توسط حداقل یکی از ابعاد باورهای دنیای عادلانه ۲/۸ درصد می‌باشد.

جدول (۵) ضرایب معادله پیش بین مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان از طریق باورهای دنیای عادلانه

معناداری	t	ضرایب غیر استاندارد		متغیر	ردیف
		خطای استاندارد	B		
۰/۰۰۰	۳/۶۰۵	-	۷/۷۸۶	مقدار ثابت	۱
۰/۶۹۶	۰/۳۹۱	۰/۰۲۶	۲/۰۳۲	باورهای دنیای عادلانه برای خود	۲
۰/۰۴۳	۱/۸۶۲	۰/۱۴۶*	۲/۲۶۸	باورهای دنیای عادلانه برای دیگران	۳
۰/۸۱۴	-۰/۲۳۵	-۰/۰۱۸	۲/۱۴۲	باورهای دنیای عادلانه عمومی	۴
۰/۳۷۰	-۰/۸۹۸	-۰/۰۴۷	۱/۳۴۱	باورهای دنیای ناعادلانه	۵

چنانکه در جدول (۵) دیده می شود، از بین کلیه ابعاد باورهای دنیای عادلانه صرفاً باورهای دنیای عادلانه برای دیگران قادر به پیش بینی رشد اخلاقی مبتنی بر تعهد و پیمان بوده است. ضریب بتا استاندارد باورهای دنیای عادلانه برای دیگران ۰/۱۴۶ بوده است.

جدول (۶) ضریب همبستگی چند گانه

بین مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی و باورهای دنیای عادلانه

شاخصهای آماری	ضریب F	معناداری	همبستگی چند گانه	مجذور همبستگی چند گانه	مجذور همبستگی چند گانه تعدیلی	خطای استاندارد برآورد
همزمان (یاورد)	۳/۲۲۹	۰/۰۱۳	۰/۱۸۳	۰/۰۳۳	۰/۰۲۳	۳۳/۳۱۵

چنانکه در جدول (۶) دیده می شود، حداقل یکی از ابعاد باورهای دنیای عادلانه قادر به پیش بینی مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی ($P < 0.05$, $F(3,229) = 3.229$) است. ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۱۸۳ بوده و واریانس تبیین شده مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی توسط حداقل یکی از ابعاد باورهای دنیای عادلانه ۳/۳ درصد می باشد.

جدول (۷) ضریب استاندارد و غیر استاندارد

برای پیش بینی مسئولیت اخلاقی و اجتماعی کلی از طریق باورهای دنیای عادلانه

معناداری	t	ضرایب غیر استاندارد		متغیر
		خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۷/۵۹۱	-	۱۳/۸۴۰	مقدار ثابت
۰/۲۸۸	۱/۰۶۴	۰/۰۷۱	۳/۶۱۲	باورهای دنیای عادلانه برای خود
۰/۰۴۳*	۱/۸۶۷	۰/۱۴۶*	۴/۰۳۲	باورهای دنیای عادلانه برای دیگران
۰/۳۸۰	-۰/۱۸۷۹	-۰/۰۶۵	۳/۸۰۷	باورهای دنیای عادلانه عمومی
۰/۲۱۰	-۱/۲۵۷	-۰/۰۶۶	۲/۳۸۳	باورهای دنیای ناعادلانه

چنانکه در جدول (۷) دیده می شود، از بین کلیه ابعاد باورهای دنیای عادلانه صرفاً باورهای دنیای عادلانه برای دیگران قادر به پیش بینی مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی بوده است. ضریب بتا استاندارد باورهای دنیای عادلانه برای دیگران ۰/۱۴۶ بوده است. سایر نتایج تحلیل رگرسیون همزمان رشد اخلاقی بر حسب متغیرهای پیش بین باورهای دنیای

عادلانه برای کل گروه نمونه دارای رابطه معنی داری نمی باشد. بدین معنی که هیچیک از باورهای دنیای عادلانه قادر به پیش بینی مسئولیت پذیری اخلاقی در قبال دیگران و هم چنین مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال توجه به قوانین نبوده لذا نتایج آنها ارائه نشده است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج بررسی فرضیه اول (جدول ۳) نشان داد مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان با باورهای دنیای عادلانه برای خود ($p < 0/05$) و برای دیگران ($p > 0/01$) و دنیای عادلانه عمومی ($p < 0/05$) و بین مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در توجه به قوانین با دنیای عادلانه برای دیگران ($p > 0/05$) و بین مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی با دنیای عادلانه برای دیگران ($p < 0/01$) رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد. یافته های این پژوهش با یافته های پیازه (۱۹۶۵)، کراهه (۱۹۸۸)، برانسکومب، اوون، گارستکا و کولمن (۱۹۹۶)، داووترتی و اسپر (۱۹۹۸)، دالبرت (۲۰۰۱) هماهنگی دارد.

مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان جنبه ای از رشد اخلاقی است که میزانی که افراد نسبت به عهد ها و قولهایی که به دیگران می دهند پای بند هستند را نشان می دهد. بدین ترتیب کسانی که به دنیای عادلانه اعتقاد دارند، در مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان در سطوح بالاتری جای می گیرند. آنها احتمالاً به واسطه اعتمادی که به دنیای پیرامون دارند، مسئولیت بیشتری را در قبال پایبندی به قول و قرارهای خود در وجود خویش احساس می کنند. بنابراین در این راستا باورهای دنیای عادلانه به عنوان یک ساز و کار اثر بخش در ارتقاء تعهد افراد نسبت به پیمان و قول خویش عمل می کند. اما باورهای ناعادلانه با مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان رابطه معناداری نداشت.

در مجموع باور به دنیای عادلانه را می توان بعنوان یک قرار داد شخصی بین فرد و دنیای اجتماعی او نگرست. هر چه که بیشتر افراد به دنیای عادلانه باور داشته باشند، طبیعت الزام آور چنین قرار دادی تقویت می شود. در واقع چنین قرار دادی به نوعی فرد را ملزم می کند تا به شیوه ای عادلانه عمل نماید و آن را حفظ کند. برای مثال هر چه که افراد باور نیرومندتری به دنیای عادلانه داشته باشند، تلاش بیشتری به نوبه خود در راستای عدالت می کنند. چنین دیدگاهی احساس اعتماد به محیط را برای انسان بالا می برد. به طور خلاصه، باور به دنیای عادلانه نوعی از پیش آمادگی شخصی است، و به تبع آن افرادی که باورهای نیرومندتری به دنیای عادلانه دارند، رفتارهایی مطابق با قواعد منصفانه از خود نشان می دهند و در عین حال رفتار اجتماعی و اعمال روزمره آنها نیز تحت تاثیر قرار میگیرد، یعنی رفتار مبتنی بر تعهد و پیمان یعنی میزان پایبندی افراد نسبت به قول و قرار هایشان احساس مسئولیت در قبال دیگران را نیز شامل می شود.

در مقابل باور به دنیای ناعادلانه نشان دهنده تمایل برای احساس آزادی از واکنش بر اساس هر قاعده منصفانه و عادلانه ای است. بنابراین باور به دنیای ناعادلانه ممکن است باعث منفی نگری و رفتارهایی شود که از طریق نفع شخصی بدون احساس الزام در رفتار بر اساس قواعد منصفانه (مثل مسئولیت و تعهد در قبال پیمان و میثاق) برانگیخته می شود. بنابراین پیامدهای سازشی متصور برای باورهای دنیای عادلانه را نباید برای باورهای دنیای ناعادلانه مشاهده کنیم. براین اساس ملاحظه می شود که عدم رابطه بین باورهای دنیای عادلانه و مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان تا اندازه ای با مبانی نظری هماهنگ است.

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که افزایش باورهای دنیای عادلانه (برای خود، برای دیگران

و به صوت کلی) باعث ارتقاء سطح مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان می‌گردد. در حالی که کاهش باورهای دنیای ناعادلانه باعث ارتقاء سطح مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی بوده ولی این ارتباط معنا دار نبوده است و بامسئولیت اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر تعهد و پیمان دارای رابطه معنا داری نمی‌باشد.

این بخش از یافته‌های تحقیق با نتایج هایدر (۱۹۵۸)، فرنهام (۲۰۰۳) و اوپنهایمر (۲۰۰۵) که احتمال داده اند بین باورهای دنیای ناعادلانه و مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد همسو نمی‌باشد چرا که در این پژوهش رابطه مذکور معنادار نبود.

در حالی که یافته‌های پژوهش با یافته‌های لرنر و میلر (۱۹۷۸) و دالبرت (۲۰۰۱) هماهنگ است. به اعتقاد محققان مذکور اینکه دنیا مکانی سرشار از عدالت است افراد را قادر می‌سازد تا محیط فیزیکی و اجتماعی بعنوان محیط‌هایی دارای نظم و ثبات در نظر بگیرند و به همین دلیل افراد پایبندی به قول و پیمان خود را به عنوان بخشی از نظم و ثبات دنیا تلقی نموده و براین اساس مسئولیت‌پذیری اخلاقی بیشتری را نشان می‌دهند.

بنابراین هر چه که افراد دنیا را مکانی سرشار از عدالت بدانند و این باورهای دنیای عادل تمام ابعاد زندگی را در بر بگیرد (اعم از خود، دیگران و کلی) باعث می‌شود که افراد خود را نسبت به قول و قرارهای خود متعهد و پایبندتر بدانند و مسئولیت بیشتری در این زمینه احساس کنند.

به اعتقاد کلبگ (۱۹۶۳) نیز با افزایش رشد، این مفهوم که عدالت بر مبنای همکاری و مشارکت اعضای یک جامعه شکل می‌گیرد، پدید می‌آید. پیمان، قول و تعهدی که افراد نسبت به دیگران تقبل می‌کنند، به نوعی همکاری و مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد. اگر همه افراد جامعه نسبت به قول و قرارهای خود پایبند باشند و خود را نسبت به آن مسئول بدانند، همکاری و مشارکت اجتماعی نیز به همین ترتیب افزایش می‌یابد.

بخش دیگر این فرضیه (جدول ۳) نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اخلاقی در قبال دیگران با هیچیک از ابعاد باورهای دنیای عادلانه و دنیای ناعادلانه ارتباط معناداری نداشته است.

این یافته‌ها با ایده‌های هایدر (۱۹۵۸) و فرنهام (۲۰۰۳) و اوپنهایمر (۲۰۰۵) هماهنگ است. از این دیدگاه‌ها باورهای دنیای عادلانه شامل یک ساز و کار مقابله‌ای برای مواجه شدن با دنیای بی‌ثبات است و نه پیش زمینه‌ای برای رشد اخلاقی. به اعتقاد پیاژه (۱۹۶۵) و کارینول (۱۹۸۰) در بسیاری از شرایط بزرگسالان بدبختی و مصیبت وارده بر افراد را بعنوان امری که فرد شایستگی اش را دارد ادراک می‌کنند.

یعنی تصورشان این است که افراد در دنیایی زندگی می‌کنند که شایستگی آنها موجب دستیابی به مزایا و پاداشها می‌شود. اعتقاد به این دیدگاه، مسئولیت‌پذیری اخلاقی در قبال دیگران را با توجه به باورهای دنیای عادلانه تحت تأثیر قرار خواهد داد. به بیان دیگر هر اتفاق یا بلایی که سر افراد می‌آید به نوعی به رفتار یا موقعیت خود افراد باز می‌گردد و بدین ترتیب فرد بر مبنای این باور باید مسئولیت آن را بپذیرد. ولی بهر حال در سطح ارتباط چنین ارتباطی مشاهده نشد.

با توجه به جدول (۳) مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی در قبال قوانین با دنیای عادلانه برای دیگران و دنیای عادلانه عمومی رابطه معنادار (p < ۰/۰۵) داشت. بنابراین می‌توان گفت که اعتقاد به دنیای عادلانه برای دیگران و دنیای عادلانه عمومی، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در توجه به قوانین را ارتقاء می‌بخشد.

قانون و عدالت همواره دو جزء جدایی‌ناپذیر بوده‌اند. هر جایی که قانون پامی‌گذارد، منظور این

است که عدالت در آنجا باید رعایت شود. از طرف دیگر قوانین نوعی ابزار اخلاقی به شمار می‌روند که از طریق آنها جریان عدالت در سطح جامعه تسری می‌یابد. پیاژه (۱۹۶۵) اشکال اولیه عدالت را تحت تأثیر انگیزه اطاعت از منابع قدرت دانسته است. قانون از طریق منابع قدرت تعیین و اجرا می‌گردد. از سوی دیگر افراد توجه به قوانین را از بعد رعایت قوانین از سوی دیگران مورد توجه قرار می‌دهند و بیش از آنچه که خود به قوانین توجه داشته باشند و آنها را رعایت کنند، خواستار رعایت و توجه به آنها از سوی دیگران هستند. بدین ترتیب اعتقاد به دنیای عادلانه برای دیگران و دنیای عادلانه عمومی، ارتقاء رشد اخلاقی در توجه به قوانین را به همراه خواهد داشت.

در بخش دیگر فرضیه (۱)، جدول (۳) رابطه باورهای دنیای عادلانه با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با دنیای عادلانه برای خود و برای دیگران ارتباط معناداری دارد (P<۰/۰۱). یافته‌های پژوهش با نتایج هایدن (۱۹۵۸)، فرنهام (۲۰۰۳) و اوپنهایمر (۲۰۰۵) هماهنگ نیست ولی با یافته‌های دالبرت (۲۰۰۱) هماهنگ است. بخش دیگری از یافته‌های پژوهش مربوط به رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی ابعاد رشد اخلاقی از طریق باورهای دنیای عادلانه بود.

چنانکه نتایج فرضیه (۴) مبنی بر ترکیبی از باورهای دنیای عادلانه قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی در قبال تعهد و پیمان است نشان داد، از بین کلیه ابعاد باورهای دنیای عادلانه، دنیای عادلانه برای دیگران دارای توان پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی بوده است. بدین معنی که با افزایش میزان باور به دنیای عادلانه برای دیگران میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی در قبال تعهد و پیمان نیز بالا رفته است. بدین منظور می‌توان گفت که هر چه فرد در توجه به وضعیت دیگران از بعد رعایت یا عدم رعایت امور عادلانه و عدالت از سطح بالاتری برخوردار باشد، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان نیز بالاتر است.

برای این فرضیه، یافته‌های دیگری مشابه با آن یافت نشد. و این امر مربوط به جدید بودن تحقیق حاضر می‌باشد. نتایج فرضیه (۵) نشان داد که هیچیک از مولفه‌های باورهای دنیای عادلانه قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اخلاقی در قبال دیگران نمی‌باشند. نتایج این فرضیه با نظریه عدالت رسمی کلبه‌رگ منطبق است که در آن فرد سعی می‌کند تا در ارزشیابی ادعاهای دیگران، در بی‌طرفی باقی بماند. فرد خود را جدا از موقعیت نگاه می‌دارد تا بتواند تصمیمی منصفانه بگیرد. بدین ترتیب می‌توان گفت که از آنجایی که افراد در قبال دیگران سعی می‌کنند تا موضعی بی‌طرف داشته باشند لذا باورهای دنیای عادلانه افراد را به این سمت سوق می‌دهد تا در مورد افراد بر اساس رفتار و موقعیتشان تصمیم‌گیری و قضاوت کنند.

نتایج فرضیه (۶) نیز نشان داد که هیچیک از مولفه‌های باورهای دنیای عادلانه قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در قبال قوانین نیستند. به عبارت دیگر، کاهش یا افزایش در باورهای دنیای عادلانه، به میزان زیاد تأثیری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی در قبال قوانین ندارند. برای این فرضیه، یافته‌های دیگری مشابه با آن یافت نشده است. دلیل احتمالی این نتیجه بدست آمده را می‌توان این‌طور تبیین کرد که، بدون تردید رشد اخلاقی متأثر از سطح رشد شناختی فرد نیز هست، در یافته‌های شناختی کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان نیز در رفتار آنها بازتاب می‌یابد. یک فرد بزرگسال علی‌رغم اینکه شناخت روشنی از مسایل اخلاقی داشته باشد و اقدامات لازم را برای رفتار اخلاقی را نیز بشناسد، اما به دلایل گوناگون ممکن است نخواهد رفتار درست اخلاقی از خود بروز دهد. بنابراین استدلال اخلاقی همیشه در رفتار اخلاقی موثر است اما میزان این تأثیر بسیار اندک

است. برخی دلایل نشان می‌دهد که ارتباط نزدیکی بین داوریه‌های اخلاقی و رفتار اخلاقی وجود دارد. به عبارت دیگر ممکن است فردی در مراحل بالای اخلاقی باشد ولی در امتحان تقلب کند. نتایج فرضیه (۷) نشان داد که از میان مؤلفه‌های باورهای دنیای عادلانه، صرفاً باورهای دنیای عادلانه برای دیگران قادر به پیش بینی رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی بوده است. بدین معنی که با افزایش میزان باور به دنیای عادلانه برای دیگران میزان مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی نیز افزایش یافته است. بدین منظور می‌توان گفت که هر چه فرد در توجه وضعیت دیگران از بعد رعایت یا عدم رعایت امور عادلانه و عدالت از سطح بالاتری برخوردار باشد، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی نیز بالاتر است. از دیدگاه کلبرگ، افراد در مرحله ۶ رشد اخلاقی به این موضوع توجه می‌کنند که چگونه افراد گروه‌ها و احزاب دیدگاه‌های یکدیگر را بر طبق اصول عدالت مورد توجه قرار می‌دهند بر این اساس می‌توان گفت که رشد باورهای دنیای عادلانه برای دیگران می‌تواند در جهت رشد سطح اخلاقی افراد و ارتقاء آنها به سطوح بالاتر رشد اخلاقی که همانا سطح ۶ است کمک کند. به لحاظ محدودیت منابع داخلی وعدم مقایسه این پژوهش با آن منابع، به اجبار مقایسه نتایج با تحقیقات نسبتاً مشابه خارجی صورت گرفت و با توجه به شرایط فرهنگی خاص ایران شاید به طور صریح نتوان یافته‌های این پژوهش را به طور مستقیم با تحقیقات نسبتاً مشابه خارجی مقایسه نمود. بنابراین به محققین علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود رابطه بین رشد اخلاقی و باورهای دنیای عادلانه را با سایر متغیرهای اجتماعی و با جامعه آماری وسیع‌تری مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- کربن و بلیام. (۱۳۸۴). نظریه‌های رشد (مفاهیم و کاربردها). ترجمه: غلامرضا خوی نژاد و علیرضا رجایی، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- گل‌پرور، محسن و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). اعتبار یابی پرسشنامه‌های باورهای دنیای عادلانه. پذیرش شده و در مرحله چاپ در فصلنامه علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- محمودیان، محمد رفیع. (۱۳۸۰). اخلاق و عدالت. چاپ اول. تهران، انتشارات طرح نو.
- Branscomb, N.R., Owen, S., Garstka, T.A., & Coleman, J. (1996). Rape & occidental counterfactuals: Who might have done otherwise would it have changed the outcome? *Journal of applied social Psychology*, 26(12): 1042-1067
- Colby, A., & Kohlberg, L. (Eds.). (1987). *The measurement of moral judgment (Vol. 1)*. New York: Cambridge University Press.
- Damon, W. (1977). *The social World of the child*, Jossey-Bass, Francisco
- Daugherty, T.K., & Esper, J.A. (1998). Victim characteristics and attributions of blame in male rape. *Traumatology*, 4(2): 342-348
- Dalbert, C. (2001). *The justice motive as a personal resource: Dealing with challenges and critical life events*. New York: Plenum Press.
- Demetriou, A., and Charities, L. (1986). The adolescent's construction of procedural justice as a function of age, formal thought and sex. *Int. j. Psychol.* 21: 333-353
- Emler, N. (1991). What do children care about justice? The influence of culture and cognitive development. In Vermunt, R., and Steensma, H. (Eds.), *Social justice in human Relations*. Vol. 1: Societal and Psychological Origins of justice, Plenum, New York, pp123-150
- Furnham, A. (2003). Belief in a just World: research progress over the past decade, *Personality and Individual Differences*, 34: 795-817

- Heider, F. (1958). *The Psychology of interpersonal relations*. New York: Wiley.
- Gilligan, C., (1977). In a different voice: omens conceptions of self and morality. *Hayward educational review*, 47,481-517.
- Karniol, R. (1980). A conceptual analysis of immanent justice responses in children. *Child Development*, 51, 118-130
- Kohlberg, L. (1963) The development of children's orientation toward a moral order: I. Sequence in the development of moral thought. *Human Development*, 6,11-33.
- Karahe, B. (1988). victim & observer characteristics as determinants of responsibility attributions to victims of rape. *Journal of applied social psychology*, 18(1), 50-58.
- Lerner, M.J. & Miller, D.T. (1978). Just world research and the attribution process: Looking back and ahead. *Psychological Bulletin*, 85, 1030-1050.
- Lipkus, I. M., Dalbert, C., & Siegler, I. C. (1996). The importance of distinguishing the belief in a just world for self versus others. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 2: 666-677.
- Miller, j.G., and Bersoff, D.M. (1992). Culture and moral judgment: How are conflicts between justice and interpersonal responsibilities resolved, *social Psychol* ,62:541-554.
- McILveen,P . Schultheiss, D.E. (2012). *Social constructivism in vocational psychology and career development*. Sense Publishers. Rotterdam: Boston.
- Oppenheimer, L. (2005). Identity and Social identity. *Personality and Individual Differences*, 38,1793-1803.
- Piaget, J. (1965). *The moral judgment of the child*. New York : Free press.
- Pope,M.(2011). The career counseling with underserved population's model. *Journal of Employment Conseling*, 48,153-156.
- Savickas.M. (2011). The self in vocational psychology: Construction, Object, subject, and project. In P.J.Hartung & L.M.Subich (Eds.), *develop self in work and career: Concepts, cases, and contexts* (pp.17-33). Washington, DC: American Psychosocial Association.
- Wlaker, I. J. (1948). sex differences in the development of moral reasoning: A critical review. *Child development* ,55: 677-691.

